

مورخ ۱۷ نوامبر ۱۹۱۱ در منزل مسترو میسیس دریفوس در پاریس: درباره تعلیم عدم مداخله دین در سیاست و برقراری عدالت

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



مورخ ۱۷ نوامبر ۱۹۱۱ در منزل مسترو میسیس
دریفوس در پاریس:
درباره تعلیم عدم مداخله دین در سیاست و برقراری
عدالت^۱

(خطابات جلد اول، ص ۱۷۴۰-۱۷۹)

هُوَالله

^۱ نطق مبارک شب شنبه ۲۶ ذی قعدة ۱۳۲۹ - در منزل مستر دریفوس - پاریس (۱۷ نوامبر ۱۹۱۱)



ORIGINAL



AUDIO

انسان باید در عالم وجود امید به مکافات و خوف از مجازات داشته باشد. علی‌الخصوص نفوسی که مستخدم در حکومتند و امور دولت و ملت در دست آنها است. مأمورین حکومت اگر چنانچه امید مکافات و خوف از مجازات نداشته باشند، البته عدالت نمی‌کنند. مکافات و مجازات مانند دو عمود می‌ماند که خیمه عالم بر آن بلند است. لهذا مأمورین حکومت را رادع از ظلم، خوف از مجازاتست و شوق امید به مکافات. ملاحظه می‌کنید در حکومت استبداد چون خوف مجازات و امید مکافات نیست لهذا امور حکومت بر محور عدل و انصاف دوران ندارد.

مکافات و مجازات دو نوعست. یک مکافات و مجازات سیاسی و یک مکافات و مجازات الهی. البته اگر نفسی معتقد مکافات و مجازات الهی باشد و همچنین در تحت مکافات و مجازات سیاسی، البته آن شخص اکمل است، زیرا مانع و رادع از ظلم. اگر خوف الهی و بیم مجازات یعنی رادع معنوی و سیاسی باشد، البته این اکمل است. بعضی از مأمورین که خوف انتقام دولت و خوف از عذاب الهی دارند، البته ملاحظه عدالت را بیشتر نمایند علی‌الخصوص اگر نفسی خوف عقوبت ابدی و امید به مکافات ابدی داشته باشد، البته این نفس به نهایت همت در فکر اجراء عدلست و بیزار از ظلم. زیرا انسانی که معتقد است اگر ظلم کند در عالم باقی به عذاب الهی معذب می‌شود، البته از ظلم و اعتساف اجتناب نماید، علی‌الخصوص معتقد اینکه اگر به عدالت پردازد مقرب درگاه کبریا می‌گردد و حیات ابدیه می‌یابد و داخل در ملکوت الهی می‌شود و رویش بانوار فضل و عنایت حق روشن می‌شود. پس اگر مأمورین دولت متدین باشند، البته بهتر است، زیرا اینها مظهر خشیه الله اند. و از این کلام مقصودم این نیست که دین در سیاست مدخلی دارد.

دین ابدأً در امور سیاسی علاقه و مدخلی ندارد، زیرا دین تعلق با ارواح و وجدان دارد و سیاست تعلق به جسم. لهذا رؤسای ادیان نباید در امور سیاسی مداخله نمایند، بلکه باید به تعدیل اخلاق ملت پردازند، نصیحت کنند و تشویق و تحریص بر عبودیت نمایند، اخلاق عمومی را خدمت کنند حساسات روحانی به نفوس دهند تعلیم علوم نمایند و اما در امور سیاسی ابدأً مدخلی ندارند. حضرت بهاءالله چنین می‌فرماید. در انجیل است که آنچه مال قیصر است به قیصر بدهید و آنچه مال خداست، به خدا.

باری مقصود اینست که در ایران، مأمورین متدینین بهائی نهایت عدالت را ملحوظ دارند، چون که از غضب الهی می‌ترسند و به رحمت الهی امید دارند و لکن دیگران ابدأً مبالاتی ندارند آنچه از دستشان برآید از ظلم فروگذار نمی‌نمایند. از این سبب است که ایران اینطور در زحمت است. من امیدم چنان است جمیع احبای الهی مظاهر عدل باشند در جمیع امور. زیرا عدل مختص به ارباب حکومت نیست، تاجر نیز باید در تجارت عادل باشد، اهل صنعت باید در صنعت خویش عادل باشد، جمیع بشر از کوچک و بزرگ باید به عدل و انصاف پردازند. عدل اینست که باید از حقوق خود تجاوز نکنند و از برای هر نفسی آن را بخواهند که برای خویش خواسته اند. این است عدل الهی.

الحمد لله آفتاب عدل از افق بهاء الله طالع شد، زیرا در الواح بهاء الله اساس عدلی موجود که از اول ابداع تا حال به خاطری خطور نموده. از برای جمیع اصناف بشر مقامی مقرر که باید از آن تجاوز نکنند. مثلاً می فرماید که اهل هر صنعتی را در صنعت خود عدل لازم، یعنی تجاوز از استحقاق خود نکند و اگر تعدی در صنعت خویش نماید، مثل پادشاه ظالم است، تفاوت ندارد و هرنفسی در معاملات خود عدالت را ملاحظه نداشته باشد، مثل رئیس ظالم است. پس معلوم شد هر یک از بشر ممکن است هم عادل باشد هم ظالم. لکن امیدم چنین است تمام عادل باشید و همه فکرتان این باشد که با عموم بشر آمیزش کنید و نهایت عدل و انصاف در معاملات خود مجری دارید. همیشه حقوق دیگران را بیش از حقوق خود ملاحظه داشته باشید و منفعت دیگران را مرخّج بر منفعت خود بدانید تا مظاهر عدل الهی شوید و بموجب تعالیم بهاء الله عمل نمائید. بهاء الله مدت حیات خود را در نهایت مشقت و زحمت و بلا بگذرانند بجهت اینکه تمام تربیت شوند، عادل شوند و به فضائل عالم انسانی متّصف گردند، نورانیت ابدیه یابند. عدالت الهیه بجوئید رحمت پروردگار باشید، مظاهر الطاف الهی شوید که شامل کل بشر است. لهذا من در حق تمام دعا می کنم:

اللّهُمَّ يَا وَاهِبِ الْعَطَايَا وَ غَافِرِ الْخَطَايَا وَ الرَّاحِمِ عَلَي الْبَرَايَا يَا رَبَّ الْكِبْرِيَاءِ انْ عِبَادَكَ الْفُقَرَاءُ يَبْتَهِلُونَ اِلَى عَتَبَتِكَ الْعُلْيَا وَ يَتَضَرَّعُونَ اِلَى مَلَكُوتِكَ الْاِبْهِي. يَسْتَغِيثُونَ بِرَحْمَتِكَ فَأَغْثِهِمْ وَ يَسْتَفِيضُونَ مِنْ سَحَابِ مَوْهَبَتِكَ فَأَمْطِرْهُمْ وَ يَتَضَرَّعُونَ اِلَى جَبْرُوتِ جَلَالِكَ فَأَكْرِمِهِمْ يَتَمَنُّونَ قَرِيبَكَ فَارْزُقْهُمْ لِقَائِكَ وَ مَشَاهِدَةَ طَلْعَتِكَ. رَبِّ تَرَاهُمْ عَطْشَانًا ظَمَاءًا اِلَى مَعِينِ رَحْمَانِيَّتِكَ وَ جَرَّعَهُمْ مِنْ سَلْسَلِ مَوْهَبَتِكَ وَ سَلْسَبِيلِ عِنَايَتِكَ. رَبِّ اَنْهُمْ جِيَاعٌ اطْعِمْهُمْ مِنْ مَائِدَةِ سَمَائِكَ. رَبِّ اَنْهُمْ مَرْضِي دَاوَهُمْ بِدَوَائِكَ. رَبِّ اَنْهُمْ اذْلَاءٌ بِبَابِكَ اجْعَلْهُمْ اَعْرَاءًا فِي مَلَكُوتِكَ. اَنْكَ اَنْتَ الْكَرِيمُ اَنْكَ اَنْتَ الْعَظِيمُ اَنْكَ اَنْتَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ.

